



Available online at <http://jgu.garmian.edu.krd>



Journal of University of Garmian

<https://doi.org/10.24271/garmian.24.11C33>

تحلیل گفتمان انتقادی نوحه سرایی های شیخ مراد زنگنه خانقینی

نگار خضری

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان / سنندج

Article Info		چکیده:
Received:	September, 2023	تحلیل گفتمان انتقادی، بررسی زبان در بافت موقعیتی و اجتماعی است. این رویکرد به کاربرد زبان در حوزه‌ای خاص و بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی موثر بر ساختار زبان می‌پردازد. به زعم فرکلاف، تحلیل گفتمان تلفیق متن و اجتماع آن با ساختار زبان است که بر همین مبنا در تحلیل متون سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین را در نظر می‌گیرد. گفتمان‌ها بازنمایی زندگی اجتماعی هستند که در موقعیت‌های گوناگون با رخنه در زندگی روزمره در پی ساخت جهان قاعده‌مند هستند. تحلیل هر گفتمان سه منظر دارد؛ تحلیل صورته‌ها و ساختارهای نشانه‌دار نحوی که معرف دیدگاه نویسنده است، کاربرد صناعات ادبی که نقشی مهم در شخصی سازی زبان دارد و تحلیل ماهیت کلام ادیبانه که راه ارتباطی موثری در خدمت به اجتماع است. هدف پژوهش پیش رو بیان سبک تحلیل گفتمان شیخ مراد زنگنه در دیوان «گولزاری کربلای عشق» به شیوه توصیفی _ تحلیلی است و در پی پاسخ به این سوال که کاربرد زبان و کردار گفتمانی در این دیوان چگونه است.
Revised:	February, 2024	
Accepted:	March, 2024	
Keywords		
شیخ مراد زنگنه، گولزاری عشق، شهادت، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف		
Corresponding Author		
nigarkhezri@gmail.com		

1. مقدمه و بیان مسأله

تحلیل گفتمان انتقادی یک گرایش مطالعاتی بین رشته ای است که ارتباط تنگاتنگی با علوم مختلف دارد و لازمه آن شرکت دادن عواملی همچون قدرت، ایدئولوژی، تاریخ و... در متن است. این حوزه مطالعاتی از اواسط دهه 1970، در پی تغییرات گسترده علمی-معرفتی در رشته هایی چون جامعه شناسی، روان شناسی، زبان شناسی و سایر رشته های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام مند ساختار و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است (فرکلاف، 1379: 8). تحلیل گفتمان نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه ای از رویکردهای میان رشته ای است که می توان از آن ها در انواع گوناگون مطالعه ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد (یورگنسن و فیلیپس، 1389: 17). از این رو آن را تلفیقی از تحلیل متن و تحلیل فرایندهای تولید، توزیع، مصرف متن و تحلیل اجتماعی-فرهنگی به شمار آورده اند (محسنی، 1391: 66). به دلیل ارتباط تنگاتنگ این رشته با علوم دیگر، واکاوی یک اثر ادبی که تجلی گاه دغدغه های فکری صاحب اثر است در این حوزه اهمیت ویژه ای دارد و چه بسا ما را در شناخت و کشف ایدئولوژی های پنهان متن کمک می کند.

نورمن فرکلاف تحلیل انتقادی گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر، تبیین مد نظر قرار داده است. هدف از تحلیل گفتمان انتقادی، یافتن ایدئولوژی در پس متون می باشد تا ناگفته های گوینده و نویسنده روشن گردد (وندایک، 1383: 4). به بیان دیگر گفتمان را می توان مجموعه ای از نشانه ها دانست که در پس خود قلمروهایی از مفاهیم با بار ایدئولوژیک را همراه دارند و هدف آن ها ایجاد یا نشان دادن نوع خاصی از نگرش عملکردی اجتماعی است. تحلیل انتقادی گفتمان نیز به دنبال آن است که با تحلیل این نشانه ها مفهوم ایدئولوژیک را که در ظاهر قابل مشاهده نیست، آشکار نماید.

مرثیه یکی از انواع شعری، زیر مجموعه ادب غنایی بوده که بیانگر احساسات و عواطف شاعر می باشد. این واژه از ریشه «رثا» به معنی گریستن بر مرده و ذکر نیکی های او، گرفته شده؛ این نوع شعر به یاد مرده و در ذکر محاسن او و تأسف از مرگ وی سروده می شود؛ خصوصاً اشعاری که در ذکر مصائب و شرح شهادت پیشوایان دین و شهیدان کربلا باشد (دهخدا، 1372: ذیل واژه «مرثیه»). سوگ سروده ها در مراسم عزاداری خوانده می شوند، گاهی نیز اشعاری که در این مراسمات به صورت سینه به سینه از پیشینیان بازمانده است ثبت و ضبط می شوند.

«گولزاری کربلای عشق» اثر شیخ مراد زنگنه تنها اثری که در رثای شهیدان کربلا به زبان کوردی سروده شده است. این کتابچه در سال 1972 میلادی (1350 شمسی) به چاپ رسیده است.

این اثر پیوند متقابل ادبیات و دین به مثابه امری اجتماعی است و از همین رو، بررسی آن در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی حائز اهمیت است. پژوهش حاضر، بر آن است تا با روش تحلیلی-توصیفی به این سوالات پاسخ دهد: چگونه می‌توان با الهام‌گیری از مدل سه سطحی فرکلاف (توصیف، تفسیر و تبیین) از لایه‌های سطحی معنا به لایه‌های عمیق معنایی و کشف گفتمان حاکم در دیوان گولزار کربلای عشق دست یافت؟ گفتمان حاکم بر این اثر چیست؟ کارکرد اجتماعی گفتمان این کتاب برای جامعه در عصر سرایش و پس از آن چگونه است؟

2. پیشینه تحقیق

کتاب گولزار کربلای عشق اثر شیخ مراد زنگنه تنها کتاب نظم در موضوع مرثیه‌سرایی امام حسین و یاران او در زبان کوردی است. تا کنون هیچ پژوهشی بر این شاعر و اثر او صورت نگرفته است. بنابراین ضروری می‌نماید ضمن معرفی شاعر به تحلیل موضوع اثر که جزء ثار ادبی-دینی است پرداخت تا هدف از تولید چنین متنی را دریافت. این کتاب برای اولین بار و آخرین بار در سال 1972 از طرف خود شاعر، در شهر کرکوک و انتشارات جمهوری چاپ شده است.

معرفی شاعر و آثار او

شیخ مراد فرزند ابن ویس زنگنه در سال 1870 میلادی در روستای زرداب از توابع کفری به دنیا آمد. مدتی پس از تولد وی خانواده‌اش به شهر خانقین نقل مکان می‌کنند. بعد از پایان دوره تحصیلی‌اش برای آموختن علوم دینی به شهر نجف عزیمت می‌کند. این عالم فرزانه مدتی را هم در مکتب‌خانه‌های کاظمیه بغداد تدریس داشته‌اند. پس از مدتی اقامت در بغداد ابتدا به کرکوک و پس از آن به هر خانین باز می‌گردند و تا پایان عمر (1975) در همین شهر می‌مانند.

او دارای چند اثر به زبان کوردی و عربی بود. اشعار وی نیز به زبان کوردی در لهجه‌های مختلف و زبان فارسی است. شیخ مراد زنگنه چندین اثر چاپ نشده دارد و تنها اثر چاپ شده او کتابچه «گولزاری کربلای عشق» می‌باشد که در سال 1972 چاپ شده است.

3. چهارچوب نظری

در تحلیل گفتمان، صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا؛ یعنی، زمینه و متن سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی سر و کار داریم (بهرام‌پور، 1379: 8). بنابراین، تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلا فصل زبانی مربوطه) و نیز کل نظام زبانی و عوامل بیرون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (فرکلاف، 1379: 8).

اگر تحلیل گفتمان به مثابه یک روش کیفی در تحقیق مورد نظر قرار گیرد، می‌توان دریافت که چه دیدگاه و تفکری با کدام زیربنای فکری، یک متن مشخص را تولید کرده و از این طریق حوزه‌های مبنایی در گردش در جامعه که به دنبال تغییر یا سلطه شکل‌گیری ذهنیت اجتماعی است را آشکار کرد. این امر تنها از طریق تحلیل منظم گفتمانی امکان پذیر است. امری که در آن تحلیل‌گر با توجه به دو رویکرد اجتماعی و زبان‌شناختی به دنبال بافت متنی و در رویکرد اجتماعی به دنبال توجه به بافت موقعیتی است. بر این اساس تحلیل‌گر برای پی بردن آن و به منظور تفکیک اجزا و سطوح متفاوت در رابطه با متن ابتدا برش‌های عمودی و افقی در ساختار متنی و فرامتنی ایجاد می‌نماید و ساختارهای خرد و کلان در سطح و عمق متن و فرامتن را از یکدیگر جدا و زمینه را برای حرکت از لایه‌های سطحی به سمت لایه‌های ژرف و کلان معنا فراهم می‌سازد (میرفخرایی، 1384: 18).

برای درک لایه‌ها یا سطوح مختلف یک متن می‌توان آن را به دو لایه تقسیم کرد. داستان (یا معنا یا پیام) را در عمق متن متصور شد و نحوه بیان را شکل‌دهنده لایه سطحی متن دانست. به عبارت دیگر، در لایه عمقی، متن داستان یا محتوای متن قرار دارد و در لایه سطحی متن، چگونگی یا شکل گفتمانی یا نحوه بیان جای گرفته است. به عبارت دیگر، معنا مفهومی عمقی است، اما چگونگی بیان آن در لایه سطحی قرار دارد (همان: 29). بر همین اساس باید گفت برای فهم گفتمان باید با عبور از لایه سطحی (توصیف داده‌های زبانی) به لایه عمقی، شناخت موقعیت اجتماع، رسید. همانطور که بیان شد فرکلاف برای فهم عمیق و حرکت از متن به جامعه و تحلیل انتقادی یک گفتمان، مدلی سه سطحی شامل توصیف، تفسیر و تبیین را مطرح می‌سازد.

در سطح توصیف، متن بر اساس مؤلفه‌های زبان‌شناختی خاص موجود در گفتمان (واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله) توصیف می‌شود. در سطح تفسیر به روابط موجود در بین فرایندهایی که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شوند و تأثیر انتخاب‌هایی که در پیکره گفتمان (از لحاظ واژگان، ساخت و ...) اتفاق می‌افتد، می‌پردازد. در نهایت در سطح تبیین به توضیح تأثیر گفتمان خاص در چارچوب عمل اجتماعی می‌پردازد (ملک‌مرزبان، 1392: 115).

1-4. تحلیل در سطح توصیف

توصیف، اولین سطح تحلیل گفتمان است که در آن خرده لایه‌هایی از جمله ویژگی‌های ظاهری و ملموس متن همچون واژگان، جملات و ساختار متن مورد توجه قرار می‌گیرد. در سطح توصیف با تمرکز بر واژه‌ها و ویژگی‌های دستوری و ساختارهای متن به جستجوی ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی موجود در متن که آن را ارزش‌های صوری موجود در متن می‌نامند می‌پردازند (فرکلاف، 1379: 172).

موضوع مهم در این سطح، این است که مؤلف با انتخاب چه واژگانی به بیان معانی و رویدادها پرداخته است؟ بررسی واژگان انتخاب شده می‌تواند برای یک تحلیل‌گر گفتمانی از ارزش خاصی برخوردار باشد، چرا که اساساً هر انتخابی مستقیماً با مفهوم نگرش ارتباط داشته و نشان از ایدئولوژی انتخاب کننده است. در خرد لایه واژگان، ویژگی‌های مختلف واژه از جمله: مفهوم واژه‌های به کار رفته، واژه‌های ارزشی و کلید واژگان متن، استعارات به کار رفته و ... مورد توجه قرار می‌گیرد.

2-4. تحلیل دیوان در سطح تفسیر

از نظر فرکلاف، تفسیر ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود از ذهنیت، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. ویژگی‌های صوری متن، سرخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای مفسر را فعال می‌سازد. در حیطه تفسیر، متن از جنبه «بافت بینامتنی (گفتمان از دیدگاه تاریخی) و بافت موقعیتی (چستی ماجرا؟ درگیرشدگان ماجرا؟ روابط بین آن‌ها و نقش زبان)، ظاهر کلام، معنای کلام، انسجام موضعی و ساختار و جان مایه متن» بررسی می‌شود (فرکلاف، 1379: 245-215). بنابراین تفسیر متن بر مبنای آن چه که در سطح توصیف بیان شد، به تحلیل بافت موقعیت، مفاهیم، راهبردهای کاربردشناسی و عوامل بینامتنی می‌پردازد.

• بافت بینامتنی

به زعم نگرانده در این اثر، ارتباط دوسویه‌ای بین شرایط سیاسی و اجتماعی با متن برقرار است. این کتابچه حاصل شرایط اجتماعی-سیاسی جامعه تشیع آن دوره است. شیخ مراد زنگنه این اثر را در سال 1972 سروده است؛ در این زمان جامعه‌ای که شاعر در آن قرار دارد منطقه‌ای چند فرهنگی است به این معنی که محل زندگی او محل تلاقی پیروان اهل تسنن و تشیع و آیین یارسان بوده و از طرف دیگر تمام منطقه با پیروان اهل سنت احاطه شده است. گوی شاعر با فراخواندن مخاطبان به برگزاری مراسم عزاداری و ثبت این مرثیه سعی بر حفظ آیین تشیع دارد و دلیل این ادعا، یکتا بودن این اثر می‌باشد زیرا در زبان کوردی این کتابچه تنها اثری بوده که با این محتوا تولید شده و تا امروز هم اثری شبیه به آن تألیف نشده است. عدم ارتباط مستقیم مضمون با موضوعات و مفاهیم دیگری همچون سیاست، اجتماع و ... و چرخش اثر تنها بر حول محور دینی نشان از اهمیت موضوع مورد بحث دارد. بنابراین شرایط حاکم بر این موقعیت، تعیین‌کننده شکل گفتمان دین-مذهب محور شاعر است و از همین رو مرثیه سرایی را بدون مقدمه و با لحن آمرانه-تشویقی آغاز می‌کند.

• بافت موقعیتی

از دیدگاه فرکلاف، در تحلیل و بررسی متن ادبی در قسمت تفسیر، باید دید ماجرای متن چیست و چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ (همان: 224). در تحلیل اثر در حوزه تفسیر و روابط بینامتنیت، به گفتمان‌ها و متون از چشم‌انداز تاریخی نیز نگریسته می‌شود (همان: 235). در این قسمت، ارتباط متن با ایده‌های روان‌شناختی و تعالیم دینی و اخلاقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این اثر شاهد درگیری مخاطب با دعوت به همراهی با بزرگان دین اسلام و مذهب تسنن و دین مسیحیت و در برگزاری مراسمی آیینی هستیم. همانطور که به زعم فرکلاف (همان: 225) از زبان به صورت ابزاری و در جهت تحقق بخشی از یک هدف نهادی استفاده می‌شود. شاعر در بعضی موارد با مخاطب قرارداد خویش در صدد الگوسازی برای خوانندگان اثرش است، در واقع او از این سبک گفتار برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب استفاده می‌کند.

3-4. تحلیل در سطح تبیین

تبیین گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی و به عنوان کنش اجتماع توصیف می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. همچنین، چه تأثیری می‌تواند بر آن ساختارها بگذارند (همان: 245). در حقیقت سطح تبیین به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات موجود در آن زبان، برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه شناختی، تاریخی، ایدئولوژی و بافت فرهنگی اجتماعی می‌پردازد (آقاگل‌زاده، 1385: 129). این مرحله در مقایسه با دو مرحله قبل در مرتبه‌ای ژرف‌تر قرار دارد چرا که زوایای کاملاً پنهان علت تولید متن را نمایان می‌سازد.

از آنجایی که متن به عنوان یک عمل اجتماعی می‌تواند با قدرت اقناعی زبان به درک خود از یک گفتمان مشروعیت ببخشد و آن را برای دیگران باور پذیر کند، تحلیل گران انتقادی گفتمان، باور دارند متون با شگردهای پنهانی زبان و با طبیعی‌سازی، خود را مشروع جلوه می‌دهند و کشف و تبیین این طبیعی‌شده‌ها، ویژه پژوهشگران تحلیل انتقادی گفتمان است.

کتابچه گولزار کربلای عشق، حاصل فکر و اندیشه شاعری مسلمان است که در محیطی اسلامی و تحت تأثیر آموزه‌های دینی، به تبیین برگزاری مراسم عزاداری در جامعه اسلامی می‌پردازد. در مذهب تشیع برگزاری آیین محرم به عنوان یک اصل مهم تلقی می‌شود.

چهار راهکار اصلی در مشروعیت بخشی عبارتند از: اعتباربخشی، ارزش گذاری اخلاقی، عقلانی کردن و اسطوره‌سازی. این فرایندها که می‌توانند به طور جداگانه یا ترکیبی عمل کنند، علاوه بر مشروعیت بخشی به گفتمان، ممکن است وجه انتقادی داشته و از امری مشروعیت زدایی کنند. این فرایندها در عبارات توصیفی و تجویزی پنهان هستند و معمولاً برجسته‌ترین نقاط متن را در بر می‌گیرند.

اعتباربخشی به این معناست که متن با تأیید گرفتن از افراد دارای اعتبار به گفتمان خود مشروعیت دهد. ابیات ذیل بر این معنی دلالت دارند:

له ئه‌ی مانگه پیغه‌مبه‌ر دل غه‌مبار حوسه‌ینه // مه‌شغوول شین و شیوه‌ن عه‌زادار حوسه‌ینه (3: 6)

شاه نه‌جه‌ف له داخا دروین زار حوسه‌ینه // شال عه‌زا له گه‌ردن پشتی خه‌مه عه‌زادار (3: 7)

پرووی زهمین و ئاسمان له‌ی مانگه تاریکه ته‌مه // پشت آدهم (دال) و (نوونه) ئوممه‌ت حه‌وا (صه‌مه) (4: 10)

حه‌زهرت عیسا غه‌مینه، سینه سووزان غه‌مه // جین ئینسان و مه‌لایک زار و نالان حوسه‌ینه (4: 11)

ارزش گذاری اخلاقی؛ یعنی گفتمان خود را با ارزش‌های اخلاقی پیوند دهد. ابیاتی که با این کارکرد آمده‌اند عبارتند از:

هه‌ر که گریان حوسه‌ینه له مه‌حبه‌بان حوسه‌ینه // شه‌ک نییه روژ قیامه‌ت له غولامان حوسه‌ینه (4: 5)

مانگ عاشوورای مه‌حره‌م نووبه‌ت غه‌مباریه // هه‌ر که سئ دؤس حوسه‌ینه، وه‌خت شین و زارییه (5: 1)

جه‌ننه‌توئه‌عللا له مه‌حشر مه‌که‌ن شیوه‌نکه‌ره // قییمه‌ت ئه‌سر چه‌وه‌یلی ئاو چه‌شمه‌ی که‌وسه‌ره (5: 3)

ته‌عزیه‌دار شه‌هیده‌یل سه‌ره‌فراز مه‌حشره‌ره // روژ مه‌حشره‌ی عه‌زاداره‌یله میوان حوسه‌ینه (5: 6)

له مه‌قام قورب و عیزه‌ت عه‌رش حق حه‌یرانته // ئه‌نبیا و ئه‌ولیا حه‌یران قه‌در شانته (6: 1)

گه‌لگه‌ل ئه‌فواج مه‌لایک خادم ئه‌یوانته // خاک تو ئه‌مرؤ له عالهم قبوله‌گاه سانییه (6: 2)

عقلانی کردن؛ روشی است که طی آن گفتمان خود را با تبیین ویژگی‌هایی همچون هدف‌داری، روشمندی، تأثیرگذاری و مانند آن توجیه می‌کند. در این اثر بیتی که مستقیماً بر این شیوه منطبق باشد ذکر نشده است. اسطوره‌سازی؛ یعنی متن به خلق یا نقل داستان‌ها یا اسطوره‌هایی پردازد که از طریق آن هویت خود را تثبیت کند (لیوون، 2007: 92). شاعر در سینه زنی‌های هر یک از شهیدان دست به اسطوره‌سازی دینی زده است. توصیف وضعیتی که برای این شهیدان ذکر می‌شود آن‌ها را در حد اسطوره، قدسیت می‌بخشد.

اساس تحلیل انتقادی گفتمان، توجه به تأثیر و تأثر میان زبان متن و بافت اجتماعی است. از این رو، باید بافت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی زمان شاعر و سرودن اثرش را مرور کرد. شیخ مراد این اثر را در شهر خانقین سروده است شهری که از لحاظ آیینی محل تلاقی دو دین اسلام و یارسان است. از نظر مذهبی، مذهب تشیع در مقابل تسنن قرار دارد که بیشترین پیروان دین اسلام را دارد. از طرف دیگر چون این شهر، که در ابتدا از توابع حکومت عراق بود، در سال‌های 1972 و اندکی پیش‌تر از آن به حکومت کردستان عراق ملحق شد، از حکومت مرکزی در زمان زمامداری حکومت صدام دور بود چندان توانایی اظهار و ابراز نداشت و تمام فرق دینی سعی بر آن داشتند تا به صورت مسالمت‌آمیز و البته مشروعیت‌بخشی به هویت و حفظ تداوم خود با پابندی به اعتقاداتشان ادامه یابند.

4. نتیجه

با روش تحلیل گفتمان می‌توان کتابچه گولزار کربلای عشق را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین توضیح داد. در سطح توصیف، یکدستی فضای شعر، رعایت وحدت موضوع، توجه به ارتباط و پیوستگی واژگان و لحن غم‌انگیز در سرتاسر اثر حفظ شده است. شاعر از ابتدا مخاطب را به پابندی به آیین عزاداری امام حسین تشویق می‌کند. اثر از اسلوب بلاغی پیچیده خالی است و شاعر برای بیان مقصود خود از جملات ساده و روان بهره می‌برد. از این رو خواننده، به آسانی به ایدئولوژی‌های پنهان متن دست می‌یابد.

در سطح تفسیر محتوای اثر، تنها مضمون دینی استنباط می‌شود و دلیل آن را می‌توان شرایط حاکم بر جامعه دانست که به موجب آن گفتمان دین-مذهب شاعر شکل گرفته است. در مواردی نیز شاعر با مخاطب قرارداد خویش در صدد الگوسازی برای خوانندگان اثرش است. در واقع او از این سبک گفتار برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب استفاده می‌کند.

در سطح تبیین، محتوای شعر و جوهر دینی آن، پیوند متقابل ادبیات و جامعه را برای خواننده تداعی می‌کند. در واقع این اثر تشریح یک مسئله مذهبی است که با نظام اجتماعی-دینی زمان شاعر پیوند اساسی دارد و همین پیوند سبب می‌شود که شاعر برای مشروعیت‌سازی مراسم تعزیه‌خوانی که از رسومات مذهب تشیع است و نیز حفظ این آیین چنین اثری را بسراید.

منابع

1. آفاگل زاده، فردوس (1385). تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
2. بهرام‌پور، شعبانعلی (1379). تحلیل انتقادی تحلیل گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه.
3. دهخدا، علی‌اکبر (372). لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
4. زنگنه، شیخ مراد (1972). گولزاری کربلای عشق، جلد دوم، کرکوک: انتشارات جمهوری.
5. فرکلاف، نورمن (1379). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران، تهران: طبع و نشر.
6. فقیه ملک مرزبان، نسرين (1392). «نقد و تحلیل گفتمان نقشبندی در غزل جامی بر اساس نظریه زیان شناختی فرکلاف و هالییدی»، مطالعات عرفانی، شماره 18، صص 146-113.
7. مدرسی، فاطمه (1390). فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
8. محسنی، مجدجواد (1391). «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، تابستان 1391، صص 86-63.
9. میرفخرایی، تژا (1384). فرایند تحلیل گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
10. یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوئیز (1389). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، چاپ اول، تهران: نشر نی.
11. ون‌دایک، تئون (1399). تحلیل متن و گفتمان، ترجمه پیمان کی‌فرخی، تهران: نشر پرسش.
12. Dehli and , Theo (2007), Legitimation in Discourse and communication, Sage publication, (London, Los Angeles, New -Van Leeuwen Singapore), Vol. 1(1).